



کامیلیو تورس : ضد شورش یا جنگ انقلابی [4]

۱۰۷

تدابیر لازم علیه کمین ، محاصره و پراکندگی

و تیکه گروه پیشتاز ، بجاده های می رسد که بوسیله ضد چریک اشغال شد ه است ، بطور خود کار تغییر وضع میدهد و نقش گروه عقیدار را ایفاء می کند ؛ بدین ترتیب د و انتهای ستون ، جای خود را باهم عوض میکنند . گروه عقیدار جدید ، ساکت در میان گیاهان و درختان برجا خواهد ماند ، و موقعیت را با علامت ها و پیچ پیچ ها بدیگران خواهد رساند تا اینکه مسئول اصلی (واحد چریکی) در جریان امر قرار گیرد . در اینوقت مسئول اصلی باید بتواند پیش بینی کند که این امر ، چیزی برتر از یک اتفاق و تصادف ساده است ، زیرا که ممکن است موضوع بر سر یک عملیات احاطه کردن باشد ، بویژه اگر این امر پس از یک منازعه یا عطیاتی تازه (از قبیل : کمینها بر علیه ارتش ، و حد اعلی درجه برنامه ناله کردن و بستن آوردن) بوقوع پیوسته باشد ؛ پس واحد ضد چریک ، خط سیر و حدود منطقه ای را که چریکها در آن تغییر محل می دهند ، می شناسد . در اینحال ، باید بلافاصله دستور عقب نشینی — پیمودن همان کوره راه تا در حدود . . . متر — صادر شود ؛ سپس باید از چپ و راست وارد بوته ها و خار و خاشاک بشوند (بدون اینکه آنها را قطع کنند) ، و همواره سعی کنند که خود را بطرف ارتفاعات برسانند ، از دشته ها ، دره ها ، و از محل های با گیاهان نادر و کمپشت ، خود را دور کنند تا بیک نقطه مرتفع برسند ؛ و از اینجا بتوانند راه پیموده شده را مورد مشاهده و بررسی قرار دهند . مسئول اصلی (واحد چریکی) ، زمینهای اطراف را بازرسی خواهد کرد ، پس از اینکه اطمینان یافت که هیچگونه خطر وجود ندارد ، و گیاهان فراوان و پرپشت طرف مخالف ، امکان ادامه یک راه پیمائشی

سریع و بدون خطر را فراهم میکند، میتواند دستور راه پیمائی را صادر کند. وگرنه، در صورتیکه این خطر وجود دارد که چریکها بروی مناطق عاری از درختان، بوته‌های خار دار یا باطلاقتها بیفتند و در نتیجه در معرض مشاهده شدن بوسیله دشمن قرار گیرند و یا راه پیمائیشان کند شود؛ مسئول اصلی، دستورات لازم در زمینه مسیر نهائی و محل قرار و الحاق را صادر خواهد کرد (تا هر يك از طرق مختلف خود را به آن محل برسانند م.م). اگر در این مدت، واحد چریکی کشف شد و یا مورد هدف حذ اعلی درجه برنامه نله کردن و بستوه آوردن ضد چریک ((که جاده‌ای را در اشغال خود دارد))، قرار گرفت؛ در اینحال، گروه عقیدار جدید (گروه پیشتاز سابق م.م)، باید بترتیب زیر عمل کند: بكمك مینه‌های الکتریکی، عقب نشینی واحد را بیوشاند. وجود احتمال چنین حالتی ایجاب میکند که يك دینامیت گذار به‌مراه وسائل مورد نیاز در میان گروه پیشتاز نیز پیش‌بینی گردد؛ و دستیار او، در شرایط عادی، بستون تعلق دارند. ولی اگر هیچ يك از این اتفاقات رخ نداد، و یا وقتیکه زمین و شرایط از نوس مساعد و مناسب گردید، دو انتهای ستون، وظایف اصلی خود را بعهد خواهند گرفت. ولی اگر قرار باشد که يك چنین راهی در هنگام روز طی شود، در اینحال بمسئول شناسائی دستور داده خواهد شد که بسرود در سکوت، بالای تپه انتخاب شده‌ای را اشغال کند، و پس از اینکه يك بازرسی جدید از محلها بعمل آورد، با دادن علامت از قبل مقرر شده، یا برسیدن يك پیام رسان، باقی واحد چریکی براه خواهد افتاد. مسئول اصلی و مسؤل گروه پیشتاز نیز بنوبه خود درحالت آماده بشلیک، از نوبراه خواهند افتاد، در حالیکه شش چریک ماهر و مستعد، مراقب خواهند بود که با قدرت آتش خود هر لحظه بتوانند از آنها حمایت

اطلی درجه برنامه زله کردن و بستوه آوردن ، از مینهای الکتریکی استفاد^ه کنند ؛ و بطرف کوهستانهای پر درخت (مواضع مرتفع) تغییر محل بدهند ؛ از پیمودن دره‌های عاری از گیاهان و یا زمینهای فرورفته و کم زور ، و تئیکه منطقه پست و بلند است ، اجتناب ورزند . هیچوقت نباید پروازهای معمولی هلیکوپترهای مامور هدایت ضد چریک و بمسلسل بستن چریکها را از نظر دور بدارند (۱۹) .

و نیز هیچوقت نباید فراموش کرد که جنب و جوشهای تاکتیکی دشمن ، از یک نقطه مرتفع بمراتب بهتر قابل کنترل میباشد .

واحد چریکی که (بدون اجبار به تقسیم شدن . م) موفق به عبور شده است نیز با گرفتاریهای فوق دست بگریبان خواهد بود ، با این تفاوت که مجبور بتغییر خط سیر نگردیده است . اما قسمت دیگر واحد (قسمتی که موفق به عبور از زمین و الحاق به قسمت اول واحد نشده بود . م) ، باید که بسه عبور از جنگل - برای عبور کردن باید بشیوه ذکر شده در فوق عمل کند - ادامه دهند ؛ ولی با فرا رسیدن شب ، چریکها برای اینکه همدیگر را گم نکنند ، با فاصله‌های کم از یکدیگر پیش خواهند رفت ؛ و سعی خواهند کرد که در پناه تاریکی از زمینهای سرپا ز بگذرند ؛ در حالیکه در شب در راه پیمائی اجباری ، حدوداً جهتی را دنبال خواهند کرد که بخش دیگر واحد چریکی در پیش گرفته است . در شبهای مهتابی توصیه میشود و تئیکه ماه در نهایت درخشش خویش است باستراحت ببرد ازند ، و ادامه راه پیمائی را بتاریک شدن آسمان موکول کنند . در صورت بروز درگیری (در شب) ، بهتر است که از نارنجک استفاده گردد ، زیرا که پرتاب آن موضع پرتاب کننده را بدرستی مشخص نمی نماید .

در هر حال ، در یک موقعیت مشابه (تقسیم اجباری واحد چریکی . م) ،

کنند . سپس بدو چریک (از ۶ چریک . م) دستور داده خواهد شد که با سرعت زمین را طی کرده ، و بارعایت دستورات ، مواضع مناسب تیراندازی را اشغال کنند . چهار چریک دیگر ، در حالیکه باید از قطع کردن خار و خاشاک اجتناب کنند ، به دو چریک اولی - که براه پیمائی خود با سرعت هرچه تمامتر باید ادامه دهند - ملحق خواهند شد . سپس گروه عقیدار ، جای ۶ چریک قبلی را ، برای حمایت از آنها در پیمودن از زمین ، در ارتفاعات اشغال خواهند کرد ؛ همینکه (۶ چریک) بطرف دیگر رسیدند ، سه نفر از آنها برای رسیدن بستون وارد شدن از آن ، بسرعت رگامهای خود خواهند افزود ، و بقیه (سه نفر دیگر) ، برای تقویت گروه طرف مقابل (گروه عقیدار) ، دوباره بانجا خواهند شتافت تا با قدرت آتش خود امنیت عبور گروه عقیدار را تضمین کنند .

اگر در حین عبور از زمین ، دو چریک اولی مورد حمله قرار گرفتند ، از مواضع مرتفع يك آتش حمایتی به یاریشان خواهد شتافت ؛ در مورد بیکه يك قسمت از واحد چریکی پس از عبور از زمین ، مورد حمله قرار گرفت ، در اینحال محل الحاق در نقطه ای خواهد بود که از قبل مشخص و پیش بینی شده بود .

در این مدت ، چریکهاییکه موفق نشده بودند که از زمین عبور کنند ، در تمام طول روز باید تلاش نمایند که راه حلی بدست آورند تا بهمان شیوه قبلی از آن بگذرند . بدینگونه ، جبهه چریکی مجزا شده ، از نظر پیکر و نحوه عمل ، بدو بخش منقسم شده است . بدون نا امید شدن ، بویژه وقتی که تجربه امکان میدهد که با توجه به مقصود و هدف غائی دست بعمل زده شود ، مسئولان باید بقدرت اراده و دقت در تصمیمات و دستورات ، ادامه حیات دو (قسمت) واحد چریکی را تضمین کنند ؛ و در مقابل حد

بهتر اینست که هر بخش بخاطر خود و بخاطر بخش دیگر، بطور مستقل و با وضعی تنها جمعی عمل کند؛ حد اعلی درجه برنامه ناله کردن و بستن آوردن را با کمینهای بر اساس مینهای الکتریکی پاسخ دهد؛ هلیکوپترهای شناسائی و هلیکوپترهای کماندوئی را - که بعلت نزدیک بودن واحد ضد چریک، نه میتوانند چریکها را بمسلسل ببندند، و نه از حمایت هواپیماها برخوردار شوند - مورد حمله قرار دهد (۲۰)؛ خلاصه اینکه با نبرد کردن، پیشروی خود ادامه دهد؛ از ثابت نگه داشته شدن اجتناب ورزد؛ و بالاخره در محل تعیین شده، بخش دیگر ملحق گردد.

معمولاً وقتی که واحد چریکی از زمینهای کوهستانی - بمنظور رسیدن بسه زمینهای سر باز (تپهها، دره هائی با گیاهان کم و نازک) - خارج میشود؛ از آسیب کمینها، محاصره و پراکنندگی و تار و مار شدن، مصون است؛ البته بشرطی که در هنگام شب عمل کنند. در موقعیت های و خیم: حد اعلی درجه برنامه ناله کردن و بستن آوردن، محاصره در یک منطقه ناشناخته (برای چریکها ۴۰ م)، یا نیاز فوری و حتمی به راه پیمائی در یک فضای سر باز بمنظور کوتاه کردن راه؛ واحد چریکی قبل از اینکه جنگل را ترک کند، باید فضای سر بازی را در نظر بگیرد که طول آن، هرچه کمتر و در حوالی آن چند نقطه مرتفع و پر درخت وجود داشته باشد. وقتی که یک کمین عقب رانی، بمنظور امنیت کوره راه بوسیله گروه عقیدار (چریکها) بر پا میشود، مسئولان واحد چریکی که زمینها را شناسائی کرده اند، نیاید این مطلب را از نظر دور دارند که در حالت حد اعلی درجه برنامه ناله کردن و بستن آوردن، ضد چریک غالباً در جستجوی یک نقطه مرتفع برای انجام برنامه ثابت نگه داری است، و برای رسیدن باین منظور، به برپا داشتن کمینها (محاصره کمینها) در نقاط مرتفع، و در خروجگاههای

منطقه‌ای که در آنجا تمام قدرت تهاجمی خود را بکار انداخته است ،
مبادرت میورزد .

کمین عقب‌رانی ، تا عبور آخرین فرد چریک باید در کوره راه بر جا باقی
بماند ، مضافاً چند چریک آماده به تیراندازی را باید در حاشیه جنگل
قرار داد ، گروهی مرکب از شش مبارز از جنگل خارج شده و نقطه مرتفعی
(یک نقطه) از پیش انتخاب شده) را اشغال خواهند کرد ، و از آنجا
عبور کلیه افراد واحد چریکی را - که قسمت ب قسمت صورت خواهد گرفت -
مورد حمایت تیر خود قرار خواهند داد ، تا جائیکه آخرین فرد گروه
عقدار عبور کند .

پراکنده و متفرق کردن يك واحد چریکی در صورتی امکان پذیر است که
ارتش کمینی را در اردوگاه چریکها یا در هنگام راه پیمائی آنها بر پا داز
- کمین بر علیه ارتش : وقتیکه يك جبهه مسلح ، بروی زمینهای با گیاهان
پر پشت و بدون دید ، فاقد دستگاههای راد یوئی (گیرنده - فرستنده)
میباشد ؛ چریکهای که در دو انتهای صف در دهانه کمین قرار گرفته‌اند ،
میتوانند در سنگهای خود تنها و منزوی بمانند و معتقد شوند که همراهان
هنوز از جا کنده نشده و یا اینکه تحت تاثیر دستوره‌های دروغین ضد چریک
- که در دام کمین چریکها افتاده‌اند - زودتر از موعد پیش‌بینی شده‌خو
را عقب کشیده‌اند .

- در اردوگاه : ضد چریک در اولین ساعات روز ، از طریق کوره راه - پس
از دستگیری گشتی های خواب‌آلود - خود را بار دوگاه می‌رساند و دستور
بیورش می‌دهد ؛ یا بر اساس شیوه‌ای که در يك مقیاس کمتر ، به برنامه جاده
صاف کنی عمل شده بوسیله فرانسویان در ویتنام شباهت دارد ، ضد چریک ،
اردوگاه (چریکها) را از نقاط متفاوت و در آن واحد ، مورد حمله قرار

میدهد . وقوع هر يك از این وقایع احتمالی، کفبرای جبهه چریکی بمثابة يك ضربه مهلك میباشد، از فقدان هوشیاری و گوش‌بزرنگ بودن ، انتخاب محل نامناسب (برای اردوگاه) ، و یا عدم رعایت ابتدائی ترین قوانین ایمنی ناشی میشود .

اگر اردوگاه مورد تهاجم قرار گرفت ؛ زنده‌ماندگان در حالیکه میکوشند از متفرق شدن و منزوی ماندن اجتناب کنند ، باید با شتاب هرچه بیشتر در حال عقب‌نشینی نبرد کنند ؛ و از راهی که قبلاً ، برای مورد اضطرار و فوری پیش‌بینی شده بود ، بعقب‌نشینی نبردازند .

اما چریکهای خارج (از قبیل گشتی ها و چریکهای سرگرم جمع‌آوری همبزم و غیره) ؛ سروصدای تیراندازی باید بآنها حالی کند که صلاح نیست خود را باردوگاه برسانند ؛ اینان باید با راه پیمائی در میان بیشه ها با پیمودن امتداد اردوگاه ، در جستجوی این باشند که رد پاهای همراگان خود را باز یابند . ولی قبل از انجام يك راه پیمائی اجباری ، و تلاش برای پیوستن بهمراهان خود ، لازمست اطمینان حاصل کنند که باقیمانده جبهه چریکی هنوز در محاصره سربازان قرار ندارند .

تمام این وقایع احتمالی ، توضیح میدهد که چرا چریکها نباید هیچوقت نه سلاحها و نه کولهپشتی شان را از خود دور کنند ؛ فقط در مواقع نگهبائی میتوانند کولهپشتی را از دوش بردارند ، و در اینحال نیز باید آنرا در گوشه‌ای در نزدیکی خود مخفی کنند .

— چریك چه در حال تغییر محل دادنها باشد ، وجه در اردوگاه موقتی، شلیك گلوله‌ها و انفجارها را باید چگونه تلقی کند ؟

يك واحد چریکی ، چه در محل تجمع باشد و چه در حین راه پیمائسی ، وقتی که صدای شلیك گلوله‌ها یا صدای انفجارها را میشنود ، باید ریتم

و فاصله آنها را (از لحاظ دوری و نزدیکی م.) مورد توجه قرار دهد .
 در هنگام راه پیمائی ، شلیک يك گلوله متفرق و مجزا و از فاصله خیلی نزد
 بدون شك بوسیله یکی از افراد ستون بطور غیر ارادی شلیک شده است .
 اگر به همراه این ، صدای انفجارهای دیگر و سلسلهها و احتراقها شنیده
 شد ؛ احتمال دارد که يك بخش از واحد چریکی (گروه پیشتاز ، یا ستون
 یا گروه عقیدار) با گشتی گروه شناسائی ضد چریک درگیری پیدا کرده
 باشد . شنیدن صدای رگبار مسلسل ها و شلیک چند گلوله متفرق در فاص
 صلهای نسبتاً دور ، باین معناست که يك پاسگاه اشباع کننده در امتداد مسیر
 واحد چریکی واقع است ، و یا يك واحد دیگر چریکی در آن حوالی با ضد
 چریک درگیری پیدا کرده است . شلیک يك گلوله مجزا و متفرق در داخل
 اردوگاه موقتی ، معمولاً ناشی از بی توجهی یکی از چریکهاست . اگر
 شلیک يك گلوله مجزا و متفرق در حوالی اردوگاه انعکاس یافت ، احتمال دارد
 که یکی از گشتیها از روی بی توجهی شلیک کرده ، و یا یکی از اینها
 (گشتیها) بوسیله گروه پیشقراول ضد چریک از پای درآمده است ؛
 اگر بدنیال شلیک گلوله ، چند لحظه بعد صدای احتراقها به همراه رگبار
 سلسلهها و انفجارهای دیگر شنیده شد ، بدین معناست که یا گشتیها
 بروی گروه پیشقراول دشمن شلیک کرده و گروه مذکور در صدر دفاع از
 خویش برآمده است ، و یا ضد چریک خود را بار و گاه موقتی واحد چریکی
 رسانده است .

گاه
 هر گونه شلیک گلوله‌ای، چه مجزا و متفرق باشد یا نه ، اگر در اطراف اردو
 بگوش برسد ، آنرا باید بمشابهة يك موقعیت وخیم تلقی کرد .
 مسئول اصلی ، باید دستور دهد که اردوگاه در اسرع وقت رها گردد ، و
 واحد از طریق خروجگاه پیش بینی شده از قبل ، عقب نشینی کند ؛ و غالباً

در اولین پیچ راهیکه بارد وگاہ میرسد (که از آنجا بتوان ارد وگاہ را زیر نظر داشت) ، باید يك کمین عقب رانی ، مرکب از سه چریک بر جا گذاشت؛ این سه تن باید بیک تفنگ نارنجک انداز ، يك تفنگ خود کار ، یا يك میترايت مسلح باشند . وقتیکه اینکار انجام شد ، واحد چریکی در چند هزار متری محل کمین عقب رانی، منتظر خواهد ماند تا اینکه جریان روشن شود . اگر گشتی ها (غالباً گشتی های کوره راه اصلی) با عجله خود را بمسئول کمین رسانیدند و ورود ضد چریک را اعلام داشتند ، همینها باید با شتاب خود را بمسئول اصلی (واحد چریکی) برسانند و جریان را باو اعلام دارند .

کمین عقب رانی تقریباً بمدت ۵ دقیقه بر جا باقی خواهد ماند ، مدت زمان لازم — همانطوریکه در فوق اعلام کرد ایم — برای اینکه گشتی ها و چریکها دیگر بتوانند محل را ترك کنند . در حال کمین قرار دادن واحد ها در مدت زمانی طولانی تر کاری خطرناک میباشد ، زیرا که ضد چریکها عظیماینگه در نزدیکی ارد وگاہ موقتی قرار دارد ، میتوانند دستور حمله را صادر کند و با سوراخ کردن دل جنگل ، دوان دوان بارد وگاہ بیورش آورد ؛ و در همین حال ، چند سرباز در کوره راه ظاهر شده و به پرتاب نارنجکها و شلیک رگبار مسلسلها خواهند پرداخت . وگرنه در صورتیکه در این ۵ دقیقه ، ضد چریک يك هدف سهل و آسانی را در اختیار چریکها قرار دهد ؛ و کمین عقب رانی ، در يك محل مناسب بر پا گردد ؛ چریکها باید سعی کنند که بکمک پرتاب چند نارنجک و شلیک چند رگبار مسلسل (میترايت) ، تنها تلغاتی در جرگه دشمن وارد آورند ، بلکه حتی بدینوسیله بر عقب نشینی تمام واحد چریکی سرپوش بگذارند (امنیت عقب نشینی واحد را تضمین کنند) .

واحد چریکی که بطور مداوم در تسلسل تاکتیکهای دشمن را در زیر نظر میگیرد، همواره میدانند که برای بدل زدن، چه تدابیری را باید اتخاذ کنند. مائوتسه تونگ، در مسائل استراتژیکی جنگ چریکی ضد ژاپونی چنین می-نویسد:

"آموختن (علم بموقع) خود را کنار کشیدن، یکی از ویژگیهای جنگهای چریکی است. عقب نشینی، موثرترین شیوه برای خارج شدن از یک موقعیت غیر مشخص و مجهول، و از نو بدست آوردن قدرت ابتکار است." سرنوشت چریکهای متفرق شده، بعوامل متعددی بستگی دارد: شناسایی زمین (محل و منطقه مورد عمل. م)، تسلیحات، ذخیره کردن آذوقه‌های که هنوز در اختیار دارند، وجود روابط در منطقه، شدت و ضعف عمل دشمن و غیره. ولی تا وقتی که بیش از دو چریک، با سلاحهایشان، باکوله پستی هایشان، با مواد منفجره شان و با شناسائی خوبشان در زمینه محلها وجود دارد، میتوان گفت که یک واحد چریکی وجود دارد. اینها راحت تر (از یک واحد کامل چریکی) میتوانند از جنگ ارتش فرار کنند؛ از چراگاهها، رودخانهها، جاده‌ها و راه آهن‌ها بگذرند، تا اینکه با روستائیان طرفدار (چریکها و جنگهای چریکی. م) برخورد کنند و آذوقه و خواروبار برای خود فراهم نمایند، و این روستائیان آنها را برای باز یافتن همراهان خود یاری دهند. اگر یک چریک در منطقه ای که بآن آشنائی ندارد، منزوی بماند، و اگر کسی بکمکش نشتابد، در اولین دهکوره واقع در حیطه محاصره استراتژیکی، باسارت خواهد افتاد. او در این حالت باید بموازات جاده‌ای که بدهکده‌ای منتهی میشود، براه پیمائی مبادرت ورزد، تا در آنجا آشنائیان بیاریش بشتابند. در نزدیکی این دهکده، باید کوله پستی و تفنگش را در محلی

مخفی نماید؛ بارانیش را که به همراه دارد بتن کند؛ جز دو نارنجک و یک اسلحه کوتاه چیز دیگری به همراه نداشته باشید؛ هر گونه برگه هویت و اوراق مشکوک کننده دیگر را از بین ببرید؛ لباس و کفشهای خود را عوض کنید؛ و در اولین فرصت ریشش را اصلاح کند. در اینجاست که مشاهده میکنیم بچه دلیل لازم است که یک مقدار پول در اختیار هر چریک قرار گیرد، مقدار پولی که برای رفع احتیاجات لازم بمنظور ادامه حیاتشان در موقعیتی مشابه موقعیت مورد بحث، کافی باشد. پیش بینی کردن موقعیتها وسیله مطمئن تر از علاج کردن آنها (پس از وقوع م) می باشد. خطر ضد چریک، بیشتر در عدم قدرت پیش بینی چریکها وجود دارد، تا در حضور ضد چریک.

— وقایع احتمالی دیگر، و احتیاط کاربهای لازم دیگر: وقتی که واحد چریکی مزرعهای را مشاهده میکند که بنظرش افرادی در آن سکونت دارند (علاقی از قبیل: دود، لباسهای آویخته، حیوانات) باید اینطور فرض کند: همانطوریکه ممکن است ساکنان آن روستایی باشند، این احتمال هم وجود دارد که ضد چریکها (یواسگاه اشباع کننده) در آن سکونت داشته باشند؛ در اینحال، یک مدت — در حدود یکساعت — باید مزرعه و جوانب و اطراف آنها با دوربین زیر نظر بگیرند تا کاملاً مشخص شود که ساکنان آن روستائیان هستند، یا افراد ضد چریک. همینکه اطمینان حاصل شد (که ضد چریکها در آنجا ساکن نیستند. م) یک یا دو مامور برای کسب اطلاعات باید بآنجا فرستاده شود؛ ارجح اینست که مذاکره با صاحب مزرعه، در هنگام فرا رسیدن شب صورت بگیرد.

حتی اگر روستائیان، طرفدار جنگ چریکی باشند؛ نظر باینکه بیشتر اوقات شخصا آنها را نمیشناسند، از ترس اینکه نکند بدام ضد چریک

افتاده باشند، غالباً چنین جوابهایی میدهند: دلمان نمیخواهد که خود را قاطنی این جریانات کنیم، ما غیر از دولتی‌ها باشخاص دیگر چیزی نمیفروشیم،
نمیخواهیم که درد سر برای خود ایجاد کنیم.

مبارزین با پرداخت قیمت معمولی، حتی يك كم بیشتر، برای خود آن‌وقت و خواروبار تهیه خواهند کرد. اگر عقاید روستائیان (برای چریکها) روشن نیست، باید بآنها گفت که جزء افراد ارتش دولتی هستند و برای خود آن‌وقت تهیه میکنند؛ حتی برای رد گم کردن میتوانند از آنها بپرسند که آیا: "راهزنها" را در این حوالی دیده‌اند یا نه؟

در موقع رفتن برای هر خانواده موافق و طرفدار (چریکها) باید دستور-العطهایی بر جا گذاشت: محو کردن هرگونه نشانه ورد پای صور آنها (چریکها)، اگر ارتش ناگهان ظاهر شد و آنها را مورد استنطاق قرار داد، بدینگونه جواب دهند:

روستائی - سلام جناب سروان. بفرمائید.

ستوان - آدمهای غریب را در اینطرفها ندیده‌اید؟

ر - چرا... جناب سروان. ارتش دیروز از اینجا رد شده است...

خرده ریزهائی از من خریده‌اند و رفته‌اند.

س - چی؟ ارتش؟

ر - بله جناب سروان.

س - مطمئن هستید؟

ر - بله جناب سروان. بمن اطمینان دادند که از افراد ارتش هستند، و حتی مانند شما از من پرسیدند که: "راهزنها" را در این حوالی دیده‌ام یا نه؟

س - و پول اشیائی را که خریدند بشما پرداخت کردند؟

- ر- بلبه جناب سروان . آنها ۶۰ پزو بمن پرداخت کردند .
- س- و چه لباسی پوشیده بودند ؟
- ر- درست مثل شما جناب سروان .
- س- چه نوع سلاحهایی را به همراه داشتند ؟
- ر- درست مثل شما جناب سروان .
- س- از کدام جهت حرکت کردند ؟
- ر- بله . . . من آنها را دیدم که از این طرف براه افتادند . ((باید راهی را نشان دهد که واقعا بوسیله چریکها در پیش گرفته شده است)).
- س- و چه بشما گفتند ؟
- ر- خب . . . جناب سروان همانطوریکه عرض کردم از من پرسیدند که آیا "راهزنها" را در این حوالی دیده ام یا نه ؟ ((موتبا باید عبارات مشابهی تکرار گردد.))
- با آموختن گفت و شنود های مشابه بروستائیان ، آنها را از آسیب ضد-چریک در امان داشته ایم ، و مخصوصا باین وسیله بآنها نشان میدهم که به امنیتشان نیز توجه داریم . و اگر لازم باشد باید از آنها خواسته شود که به خیانت تن در دهند (یعنی بجای ظاهر سازی کردن ، حقیقت را بارتش اعلام کنند . م) ؛ البته در این حال، همیشه باید در مورد تعداد چریکها مبالغه کنند .
- این رفتار بدرستی قابل توجیه است ، زیرا که باید توده های روستایی را با مقاصد و هدفهای خود همراه کنیم ، توده هایی که بدون مساعدت آنها پیروزی در جنگهای چریکی غیر ممکن جلوه می کند . همین دلایل ما را موظف میکند که در بالا بردن سطح آگاهی و اطلاع ، و موضعگیری آنها در روابطشان ، چه با جبهه های مسلح و چه با ضد چریک ، تلاش کنیم .

اگر از آنها درخواست کردیم که بروند برای ما آذوقه و خوار و بار خریدار کنند، باید برایشان توضیح بدیم که چگونه رفتار کنند: خریداری اشیاء باید از جاهای مختلف و بدفعات صورت بگیرد، و هر يك باید جداگانه بخريد بپردازد؛ و در نتیجه، در هنگام خرج از دهکده، بخاطر بهمهراه داشتن يك مقدار قابل توجه و مشکوک کننده از اشیاء و آذوقه دستگیر نشوند.

ولی هر بار که يك واحد چریکی خود را بطور حتمی و فوری، ملزم بخروج از يك منطقه ناشناس یافت، اولین روستائی را که در سر راهش دید، باید بعنوان راهنما انتخاب کند. اگر باین کار رضایت نداشت لازمست که او را مجبور بانجامش نمود، البته پس از رفع احتیاج، باید با پول داد، و از او دلجوئی و عذر خواهی نمود.

وقتی که چریکها بیک پاسگاه اشباع کننده بر خورد کردند، اگر هدفشان اجرای برنامه ذله کردن و بستوه آوردن نباشد، باید براه خود در امتداد جنگل ادامه دهند؛ و از باز کردن کوره راهی با داس (۱۱) خودداری نمایند، مگر اینکه مدت زیاد از آن (پاسگاه اشباع کننده) دور شده باشند. در هنگام راه پیمائی در روز، اگر افراد گروه شناسائی واحد چریکی، صدای اره یا ضربات تبر را در کوهستان شنیدند، باید اطمینان حاصل کنند که هیزم شکنهای روستائی میباشند؛ و اگر معلوم شد که از روستای طرفداران هستند، پس از احوالپرسی میتوان هر چیزی را که بتوانند به چریکها بفروشنند، از آنها خریداری کرد.

— صورت رودخانه ها: اگر جریان آب رودخانه شدید نبوده، بلکه فقط عمق آن زیاد است، و بعضی از چریکها شنا کردن را نمیدانند، در اینجا بهترین شناگر واحد، طنابی را بدست گرفته و آنرا بطرف دیگر رودخانه

خواهد بزد . بجای اینکه دوسر طناب را با دست بکشند بهتر است آنها را در هر طرف رودخانه پد رختی محکم گره بزنند . اگر عرض رودخانه کم ولی در عرض جریان آن شدید و سیل آساست ، بجای طناب باید از يك کابسل فولادی استفاده کرد ؛ چریکی ، حلقه فولادی کابل را محکم نگه داشته و به پشت روی زمین دراز خواهد کشید ، و بدینوسیله برای کشش آن مقاومت بیشتری بدست خواهد آورد .

رد پاها ، نشانه ها و تهیه آنوقه

ضد چریک ، رویائی را در عالم خیال می پروراند و دلش میخواهد که این رویا بواقعیت پیوندد : قطع کردن شریان هرگونه آنوقه و خواربار واحد چریکی . جای تردید نیست که بعلمت این استواری و ثابت قدمی عملیاتی ضد چریک ، برتامه زله کردن و بستوه آوردن ، رد پاها و نشانه ها ، و تهیه خوار و بار و آنوقه ؛ بنحوشدیدی دارای تسلسل منطقی میباشند ، وجود این رابطه نزدیک ، نباید از نظر مسئولان يك جبهه مسلح مخفی بماند ، و باید بخاطر داشته باشند که هر جا منبع آنوقه یافت شود ، ضد چریک نیز در آنجا پیدایش خواهد شد ؛ و یا اینکه پس از تهیه آنوقه و خوار و بار ، از راه خواهد رسید . و بالاخره برای اینکه از چریکها بهیچ نا معقولی — که به آنها لطمه خواهد زد — مطالبه نشود ، جبهه های مسلح تا وقتی که تدارکات و امکانات لازم را در اختیار ندارند ، باید در مصرف آنوقه و خوار و بار ، راه تعادل و قناعت را در پیش گیرند .

ما قبلا دیده ایم که از تش چگونه از همان آغاز عملیات ، چهار پایان را در دسته های کوچک خزکت داده ، و آنها را در محل های محفوظ شده بوسیله کمینها ، مستقر کرده است ؛ مضافا مزارع واقع در حواشی کوهستانها و جنگلها را ویران و مهدم کرده و صاحبانشان را بیرون رانده است ؛ و حتی

روستائیان را در روزهای بازار (مانند جمعه بازار ، شنبه بازار و غیره م.) در هنگام خروج از دهکده ، مورد تفتیش بدنی قرار داده است .
 يك مقدار از آذوقه ها از شهر میسرند ، ولی قسمت اعظم آنها در روستاها^ی منطقه عملیاتی تهیه می شوند . غالباً آذوقه هایی که از شهر (برای چر)
 ارسال می شود ، حتی قبل از اینکه بد دهکده برسد ، و یا در موقع نقل و انتقال ، ممکن است بدست ارتش بیفتد ، و ضد چریک از روی مقدار خوار و بار توقیف شده ، تعداد چریکها را برآورد میکند ؛ و بر اساس آن ، دسته^{های} مورد نیاز برای انجام عملیات تعقیب و جاده صاف کنی را تجهیز میکند .
 بعضی توقیف آذوقه ها ، واحد چریکی باید منطقه را ترك کند ، و به سه روز راه پیمائی اجباری و چهار روز راه پیمائی معمولی تن در دهد ؛
 زیرا امکان دارد که مأمور نقل و انتقال آذوقه تحت شکنجه مجبور شود که " رابط " خود را لو بدهد ، و ناچار شود که دشمن را بمحل قرار راهنما^{ئی} کند . اگر واحد چریکی موقعیت را کمتر از حد واقع ارزیابی کند و در آن حوالی باقی بماند ؛ ساکن ماندنش هر نوع سهولتی را در اختیار دشمن قرار خواهد داد تا به انجام عملیات احاطه کردن مبادرت ورزد . بدینگونه هیچوقت يك روستائی را نباید بمحل تجمع یا اردوگاه موقتی واحد چریکی فرا خوانند (که محل آنرا یاد بگیرد م.) .

در هنگام ورود بیک مبارزه مسلحانه ، قبل از هر چیز باید این مسئله را حل کنیم : از کجا و چگونه تهیه آذوقه و خوار و بار را تضمین و تامین خواهیم کرد ؟ زیرا دشوارترین چیزها در يك مبارزه مسلحانه ، برخلاف آنچه بعضی ها تصور میکنند : جنگ و نبرد نیست ؛ بلکه راه پیمائی هر روزه با ۲۴ تا ۳۰ کیلو بار لوژیستیکی ، باران ، تغییرات آب و هوا ، گرسنگی ، تشنگی ، سقوطها ، ته کشیدن نیروی جسمانی ، نیش حشرات است که قدر

مقاومت قوی ترین و محکم ترین موجودات را مضمحل میکند . از اینجاست که اهمیت مسائل لژیستیک بویژه در يك " جنگ دراز مدت " خود نمائی می کند . بطوریکه بعد آخواهیم دید ، محال استی فایده است که بخواهیم بنحویذی بمبارزه مسلحانه بپردازیم ، بدون اینکه با دستریزه کاری مسائل مربوط بسه نیروی عقید اراکه غالباً بسکوت برگذ ارمی شود - از قبل مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم .

میدانیم اگر چه قمر و کشورهای ما وسیع ، کوهستانی ، و پوشیده از جنگلهای مناسب برای جنگهای چریکی میباشد ؛ ولی هیچ امکائی را برای خوراك و معیشت چریکهای مادر اختیار ندارند .

بدینگونه ، و تئیکه تدابیر لازم در این زمینه اتخاذ نگردد ، اثرات گرسنگی غالباً مزمن کم کم وجود خود را ظاهر میکند . بحرانهای حاد و مکرر ، بیماری روانی گرسنگی : ناثر و تشویش ، میل تقریباً منحصر بفرار ادامه بقا را بر می انگیز اند . دیگر مسئله بر سر جنگیدن و مبارزه کردن نیست ، بلکه شکم خالی را پر کردن است ؛ و کم کم هر گونه دور نمای مبارزه ، با کوله پشتی خالی (از آذوقه) و چیز کاملاً نامتناسب جلوه خواهد کرد . در اینحال ، نه تنها مبارزه تا درجه سوم اهمیت تنزل خواهد کرد ؛ بلکه حتی سخاوت و بلند نظری ، احساس همدردی خاص چریکها نیز بفساد و نابودی خواهد گرائید . هر کس مقدار ناچیزی از آذوقه که برایش باقی مانده و یا خوردنی محقری که بچنگ آورده است ، بطور مخفی و دور از نظر دیگران مصرف خواهد کرد ؛ و کمترین چیزی بهانه جدال و مرافعه را فراهم خواهد کرد . مناعت طبع و وقار انقلابی ، بمعرض خطر جدی خواهد افتاد ؛ و دیر یا زود ، ناامیدی ، عکس العملهای نابود گرانه ای را در جهت منافع دشمن بوجود خواهد آورد ؛ و ضد چریک مشاهده

خواهد کرد که ساعت برداشت محصول کوششهایش فرا رسیده است. (۲۱)
 در اینحال، بعضی (از چریکها) که اعتقادات سیاسی محکوم استوارند دارند،
 واحد چریکی را ترک خواهند کرد. و معمولاً ((در هنگام محاصره استرتژیکی))
 بجنگ دشمن خواهند افتاد؛ و در زیر شکنجه، همه چیز را اعتراف کرده
 و قبل از اینکه بقتل برسند، بصورت جاسوس و خبر چین در خواهند آمد.
 توصیه کلاسیک تهیه آذوقه و خوار و بار برای جبهه، اگر در شرایط واضع
 و احوال دیگر معتبر است؛ در مورد جبهه های ما - جز در خصوص مسائل
 مربوط باسلحه و مهمات - قاری از معنی و مفهوم است (۲۲). جیره جنگ
 آمده از يك سرباز کشته شده، بزحمت غذای روزانه يك چریک را کفای می دهد.
 ولی نظر باینکه ضد چریک با سیمای این واقعیت آشنائی دارد، می کوشد
 با قطع کردن امکان تهیه آذوقه، و گرسنه نگه داشتن جبهه چریکی، آنرا تا-
 بود کند. بوفور با تئورسینهای دوست مواجه میشویم که مدام در باره
 جنگهای چریکی اظهار لحنیه میکنند، در حالیکه مسائل اساسی را در برده
 از تعقید می پوشانند.

آیا این حضرات تصادفاً از خود پرسیده اند: انسانی که از يك کوه ۲۰۰۰
 متری بالا می رود، بچقدر کالری احتیاج دارد؟ و آیا يك چریک، در عرض
 یکروز یا یکماه، از چند تا از این کوهها بالا باید برود؟ غالباً تئورسینهای
 اروپائی در باره جنگهای دراز مدت "رساله های مینویسند که از عدم
 شناخت واقعیت حکایت دارد. ولی برعکس آنها، تروئونگ شن Truong Chinh
 (۲۳) بما میگوید:

"برای مبارزه کردن باید از يك شکم پر، از سلامتی کامل، و از مقاومت
 جسمانی برخوردار بود. شرایط مادی، برای رسیدن به پیروزی - ولو
 يك پیروزی موقتی - در هر گونه عملیات نظامی، چه يك جنگ و چه يك

شورش مسلحانه ، مطلقاً لازم و ضروری است . » (از کتاب مقاومت پیروز خواهد شد .)

جبهه های چریکی ، باید از وابستگی باحزابی که در کادر قانون پیروازی تحول و تکوین می یابند اجتناب کنند ؛ زیرا این وابستگی ها ، جز يك مشت توصیه ها و نصایح بد و نامعقول ، و امارات و قراین اشتباه آمیز و غلط چیز دیگری را در اختیارشان قرار نمیدهد ؛ حتی اگر این احزاب بپندارند که از جنگهای چریکی حمایت میکنند ، سوء ظن این احزاب بمبارزات مسلحانه — که باید به در دست گرفتن قدرت منتهی شود — از آنها در واقع دشمنانی آشتی ناپذیر با مبارزات غیر قانونی ساخته است که در واقع این امر مانعة الجمع با سیاست مصلحه از راه مبارزات پارلمانی میباشد (۲۴) . این احزاب ، جبهه های مسلح خود را در پائین ترین سطح ممکن (از نظر کمی و کیفی) نگه میدارند ؛ دیر یا زود وقتی که این جبهه ها از اعمال رفرمیست هیات رهبری بسر خشم می آیند و زنجیرهای وابستگی را پاره میکنند ، روحیه استقلال طلبانه آنها برای این احزاب بسیار گران تمام خواهد شد . این سیاست قهری ، دارای دو چهره است : از یکطرف بطبقات حاکم فشار وارد می آورد تا جاه طلبی های ائتلافی شان را ارضاء کنند ؛ و از طرف دیگر بواحدهای چریکی مهار میزند تا اعتبارات و امتیازات عکسبمرا حفظ کنند . در این فاصله ، آغانه های بدست آمده از فعالیت های حمایتی شان ، خرج مسافرتها^ی توریستی سیاسی ، و فعالیتهای بوروکراتیک خواهد گردید ؛ و حد اقل اینکه کادرهای خود را برای کسب حد اکثر معلومات ، بچشمه های خالص و سالم انقلاب خواهند فرستاد (۲۵) .

بطرف چریکهائی که برایشان حکم بالا پوش و لحاف را دارند ، ته مانده های مسخره و مضحکی را پرت میکنند ، که بدشواری برای ادامه حیات^{*} این

مرفه‌های تخم‌طلائی * کفایت میکنند (۲۶) .

از هم اکنون، با سرپا ایستادن خود بر اساس نظم عملیاتی، خود مختاری جبهه‌های مسلح، برای موجودیت آنها و موجودیت جنبش انقلابی، یک امر حیاتی می‌باشد. مسئولان باید کلیه تدابیر لازم را برای تضمین نکات زیر اتخاذ کنند: از نظر سیاسی آماده کردن مناطق آینده عملیاتی، سازماندهی، تعلیم و تمرین و تجهیزات خوب و لازم. باقی قضایا، میتواند مورد سباحثات و گفتگوهای تئوریک قرار گیرد.

جای هیچ تردیدی نیست: در کشورهاییکه دو واحد چریکی از مدتی قبل در حال فعالیت است؛ یک جبهه مسلح جدید، بشرطی که از استقلال و خود مختاری برخوردار باشد، و بتواند بروی یک سازمان مخفی شهری حساب کند، نا بود نکردنی می‌باشد، و خواهد توانست بهد فهای اولین مراحل جنگ خلی نائل گردد؛ و بجای اینکه بگذارد که نمو و پیشرفت بخودی خود بوجود آید، آنرا باراده خود بوجود خواهد آورد. دستگاه مخفی، بی وقفه با محترم شمردن حق خود مختاری جبهه‌های مسلح خویش، بروشن ترین نحوی خصیصه انقلابی اش را بروز خواهد داد. بر عکس، یک جبهه مسلح وابسته، بنیستی یا بیک ادامه حیات مزمن محکوم خواهد بود و در بهترین حالات، بجای تسریع کردن مبارزات طبقاتی، بصورت یدک کش آن در خواهد آمد.

مادر طول صفحات قبل، بعضی از شیوه‌ها و پاره‌ای از شرایط لازم برای حل مسائل مربوط بتهیه آذوقه و خواروبار را - که حد اقل همکاری و شرکت توده‌ها، تهیه کردن انبارهای متعدد قبل از آغاز هر گونه عملیات، تصاحب یا خرید خوار و بار و تجهیزات را متوقع است - توضیح داده‌ایم. اجتناب از گرسنه ماندن چریکها، بهترین راه پیشگیری از نتایج و تاثیرات

آبست .

جنبش‌های رهائی بخش‌همچنین باید برای حمل و نقل و صحرایشنا^{۱۱} و خوار و بار خود بروی مناطق دیگر جنگ چریکو و مناطق آماده شده حساس کند ، مناطقی که امکانات لوژیستیکی از قبیل : گروهها ، حوزه ها ، رابط ها ، وابسته ها در دهات و دهکوره های همجوار ، در آنها فراهم باشد .
مارکس ، در انقلاب اسپانیا ، برای اینکه نشان بدهد که ملت چگونه توانسته است با موفقیت در مقابل ارتش ناپلئون بجنگد ، در مجله نظامی اطریشی (جلد اول - سال ۱۸۲۱) چنین مینویسد : « ایمن واحد های چریکی در واقع پایگاههای خود را در درون خویش داشته اند ، و هرگونه عطیاتی بر علیه آنها (واحد چریکی) ، بنا بودی هدفهای دشمن منتهی میگردد » .

و تیکه لازم است بتهیه و ذخیره گوشت - در يك منطقه مخالف (چریکها) - اقدام گردد ، باید بتعیین محل و موضع کردن گله ای از گاو پرداخت ؛ و با فرا رسیدن شب ، به دو یا سه تن از چریکها ماموریت داد که بکمک ضربات خنجر یا يك کارابین کالیبر ۲۲ - با شلیک دو گلوله بپیشانی - آنها را از پا در آورند . گاوها را باید قطعه قطعه کرد ، و هر تکه از گوشت را - بدون اینکه پوست آن کنده شود - در اختیار یکی از چریکها قرارداد ؛ و آنوقت دستور عقب نشینی با راه پیمائی اجباری را صادر نمود . گوشتها را در اولین فرصت باید توی نمک خواباند ، و برای جلوگیری از فاسد شدنشان باید آنها را سرخ یا کباب کرد ، و بدینوسیله همچنین وزنشان تا دو سوم کاهش خواهد یافت .

و تیکه لازم است با حمله بکامیونهای ارتشی ، برای خود اسلحه تهیه کرد ، بهتر است که جاده های کم اهمیت و غیر اسفالتی را - نظیر جاده های

که دهکده های کوچک را به جاده اصلی متصل میکند - برای این منظور انتخاب شود . برای تحقق این هدف با اشغال یکی از نقاط نزدیک بمنطقه نفوذ ضد چریک ، باید آنها را بمبارزه تحریک نمود ؛ در همین حال ، کمین را بروی جاده ، در چند کیلومتری دهکده فراهم و مستقر کرد . محل انتخاب شده برای عملیات باید باندازه کافی پردرخت بوده تا امکان ورود بکوهستان یا جنگل را براحتی (برای واحد چریکی) فراهم کند ؛ و بدینوسیله پس از حمله ، بدون اینکه نیازی باشد که از زمینهای سرپاز بگذرند ، بتوانند بنحوشایسته‌ای خود را استتار کنند . در تمام ارتفاعات کوچک یک سلسله جبال ، باید تیراندازان ماهر را مستقر کرد ، بنحویکه بتوانند دشمن را از فاصله چند کیلومتری مشاهده کنند . این مختصات بر امتیاز زمین را باید در نزدیکی های يك انحنای مسدود (بدون دید) جاده جستجو کرد ؛ (و پس از صبر و اخذ) باید صورت ظاهر آنرا مرتب کرد (که سوء ظن و توجه دشمن را بخود جلب نکند . م) : باید کوره راهی بطول دو کیلومتر برای يك عقب نشینی سریع و نیز کوره راههای متعدد - کم اهمیت تر - دیگر بمنظور سهولت در فرود و خروج از کوره راه اصلی تا رسیدن بمواضع واحد چریکی و بالعکس ، بوجود آورد . بدینگونه چریکها ، پستهای خود را در حدود جاده اصلی اشغال کرده و باستتار خود خواهند پرداخت .

در صورت وجود امکان ، لازمست که لا اقل دو مین الکتریکی یا دو بمب با بار مواد قابل انفجار برای متوقف کردن اولین کامیونهای دشمن ، بترتیب در قبل و بعد از انحنای جاده کار گذاشته شود . بدینگونه ، جاده مسدود میشود ، و وقتی که اولین کامیون با بار اسلحه خود بدام کمین میافتد ، افراد سایر کامیونهای حامل اسلحه نخواهند توانست بآن کمک کنند .

دسته های چریک مامور عقب زنی، باید در پستهای خود به این نحو مستقر شوند: فاصله‌ای که آنها را از هدف جدا میکند از ۸۰ متر تجاوز نکند؛ با اینکار نه تنها قدرت کار آبی تیز افزایش خواهد یافت بلکه حتی در این حال میتوان از تفنگهای نیمه خودکار کالیبر ۱۲ - پنج تیر - نیز استفاده نمود.

جاده‌های غیر اسفالتی مانع سرعت زیاد خواهند شد، ولی برای مینها (ی الکتریکی) - که بدون وجود آنها تحقق چنین عملیاتی چندان دلگرم کننده و نتیجه بخش نمیشد - مساعد و مناسب اند. در چنین محلها، دامنه و وسعتی که یکمین داده میشود الزاما علاوه بر تجربه، بتعداد مینها و نارنجک اندازهای بستگی دارد که واحد چریکی در اختیار دارد. وقتیکه در هنگام شب، واحد چریکی می خواهد یک جاده اصلی - معمولا ضد چریک در راههای کم اهمیت تر است که در حال کمین باقی می ماند - و یا یک راه آهن را در پیش بگیرد (تنها باین منظور که رد خود را گم کند)؛ در اینحال، بهتر است همینکه چراغ ماشینی را مشاهده کرد، مدت ۱۵ تا ۳۰ دقیقه خود را در قسمت‌های کم ارتفاع تر و در شیب‌های جاده مخفی کند. همچنین میتوان یک کامیون غیر نظامی را متوقف کرده و برای حمل گروه از آن استفاده کرد؛ در اینصورت - حسبالمورد - برآ میتوان گفت که سروکارش با ارتش دولتی یا انقلابیون میباشد.

قبل از اینکه در باره تاکتیکهای نابودگرانه حرف بزنیم، باید یکبار دیگر تکرار کنیم که: جنگ چریکی - که واقعا یک فن است و مادر اینجا فقط قوانین ابتدائی و ساده و غالباً یکنواخت آنرا عرضه میکنیم - نمیتواند بوسیله مردان متلون و دمدمی المزاج یا مبتلا به عارضه طرفداری از جنگها^ی چریکی، به نتیجه مطلوب برسد؛ زیرا با توجه به تکنیک ضد چریک،

نمیتوان از روی قهرمان نمایی‌ها و خیال بافی‌ها، ارتکاب کمترین اشتباهی را بخود اجازه داد.

حواشی مربوط به "حفظ کردن و توسعه دادن"

نیروهای ما

(۱) منظور از يك دستور بسته، دستوریست که باید بدون چون و چرا و بدون هیچگونه تفسیر، نعل بنعل اجرا گردد. و دستور باز، عکس آنست؛ یعنی حسب مورد و بر اساس اوضاع و احوال (مثلا در جریان عملیات، مشکلی پیش می آید که قبلا پیش بینی نشده بود؛ در اینحال فرمانده گروه عملیات میتواند تغییرات جزئی در برنامه دستور بدهد)، میتوان آنرا تفسیر کرد و یا تغییراتی در آن داد، بدون اینکه روح اصلی یا ماهیت یا هدف غائی آن دگرگون شود. م.

(۲) یعنی خطر نزد يك شدن دشمن، و همواره در تعقیب چریکها بودن؛ باید مرتب به چریکهای تازه کار یاد آور شد، بویژه در لحظات شکل (از قبیل تراز خستگی کردن در مقابل راه پیمائی های بی وقفه طولانی، با وجود کوله پشتی سنگین، و بالا رفتن از کوهها و فیروود مدن از سرازیریها و غیره)؛ و بدینگونه آنها را ترغیب به مقاومت کرد. م.

(۳) عملیاتی که نجات دهنده امریکای لاتین، سیمون بولیوار، در تاز سال ۱۸۲۴ قبل از نبرد "ایاکوچو" به ژنرال سوکره sucre میدهد، امروز نیز برای جنگهای چریکی امریکای لاتین کاملا معتبر است؛ " ما، اید اینطور حساب کنیم که راه پیمائی دشمن مرتب ادامه می یابد تا به (فرسنگ در روز می رسد . . . سربازان ما . . . نیز باید بالا رفتن پائین آمدن از تپه های مرتفع را بیاموزند . . . باید بآنها دستور داد که

پیبر Pibert میگوید راز پیروزی، ذریاها نهفته است؛ و دشمنان ما پاهای عالی دارند.

(۴) در ترکیب يك واحد چریکی از همان آغاز باید بوجود لاقط ۸ چریک متخصص در امور جنگ مین ها اطمینان داشت.

(۵) Cazabobos دامها و شگردهای ضد شخصی که همچنین -Booby Traps " شگرد ابلهانه" نیز نامیده میشود.

(۶) Panelaraspadura نان تهیه شده با شکر خام.

(۷) Panela یک نوع نان قندی م.

(۸) بطوریکه میدانیم این کتاب برای جنگهای چریکی در امریکای لاتین نوشته شده است و مواد یک به عنوان اجزاء متشکله غذای چریکها ذکر شده (که مواد اصلی غذای روستائیان و طبقات عادی این قاره را - کم و بیش - تشکیل میدهد)، البته در کشورهای نظیر ایران (باتوجه بآب و هوا، وضع جغرافیائی محلی، عاداتها و غیره)، قابل انطباق نیست.

(۹) نوعی تخت یا ننوی است که از پارچه‌ای ضخیم، محکم و نفوذ ناپذیر (مثلا از نوع برزینت یا پوشش کامیونهای ارتشی) تهیه میشود (گاهی اوقات نیز با نخ نایلونی، بصورت توری شکل بافته میشود)؛ و به چهار

گوشه این پارچه (یا تور نایلونی) چهار قطعه طناب یا بند (مثلا از جنس همان پارچه) تعبیه شده است. طرز استفاده آن بسیار ساده است: هر گوشه بند یا طناب را به چوب یا بیدنه درختی گره میزنند.

(۱۰) نوعی پشه بند است که روستائیان (امریکای لاتین) در دشتهای مزارع از آن استفاده میکنند.

(۱۱) هر واحد چریکی دو ماچه ترودر اختیار دارد که در جلو گروه

بیشتر از حرکت میکنند. ماچه تروها که آنها را "راهگشا" نیز میتوان نامید، وظیفه دارند که در کوههای پوشیده از گیاهان و خار و خاشاک و جنگلهای در جلو واحد چریکی حرکت کرده و با قطع کردن این گیاهان و خار و خاشاکها، مزاحیم، کوره راهی را برای عبور واحد آماده کنند. هر يك از اینها يك Machette (که در این ترجمه، بعلت در دست نداشتن واژه مناسب بجای آن واژه "داس" را بکار برده ایم - شاید باین علت که روستائیان ما برای قطع گیاهان و علفهای هرزه و مزاحم معمولاً از داس استفاده میکنند - که در واقع Machette مانند داس خمیده نیست بلکه نوعی تیغ یا شمشیر کوتاه و لبه پهن است که در امریکای لاتین برای قطع کردن گیاهان و خار و خاشاک و نیز برای بریدن ساقههای نیسکر از آن استفاده میشود. بهر حال، در این ترجمه هر جا که به واژه "داس" برخورد شد، منظور این Machette است.)، در اختیار دارد؛ و هر يك، تفنگی برای دفاع از خود. بطوریکه در متن نیز خواهیم دید: اینها بنوبت کار میکنند، یعنی یکی از ماچه تروها بباز کردن کوره راه می پردازد، و دیگری تفنگها را نگه میدارد و مواظب جوانب و اطراف می گردد. م.

(۱۲) منظور اینست که تماسها - حتی در مواردیکه استقبال روستائیان گرم و محبت آمیز باشد - نباید باز و آشکارا انجام بگیرد. گروه مسلح باید سیاست خود - مبتنی بر تکیه کردن بروی تودهها - را از ورای شبکه های مخفی روستائی خویش دنبال کند.

(۱۳) هلیکوپترها بكمك يك كابل فولادی، یا يك طناب محکم میتوانند در نقاط باز و روشن (کم یابی درخت) جنگل، نیرو پیاده کنند.

(۱۴) واحد چریکی هر بار که در مورد يك محل سوء ظن دارد ((خانه،

اردوگاه یا منطقه تیر مرتد و دراز مدت که مورد محاصره قرار گرفته است، باید بهمین شیوه عمل کند. " زمان " منفذ ضد چریک کار میکند، و میتواند با مستقر کردن واحدهائی مرکب از ۳ تا ۸ نفر، مشرف بکوره راهها و هر نوع خروجگاه شناخته شده محل، بشبهه "یک" محاصره کمینها " مبادرت ورزد (منظور از " محاصره کمین ها " در اینجا و همه جا، محاصره از طریق بنا کردن کمین ها میباشد. م.)

(۱۵) منظور آن دسته از واحدهای چریکی است که با تکنیک، تجربه، زیرکی و بکار گرفتن بجا و بموقع حربه غافلگیری آشنائی عمیق دارند. ^{نظریه} ^{که} همآنگاه قبلا توضیح دادیم در جنگهای چریکی، عوامل کمی : از قبیل تعداد افراد و تجهیزات البته مهم است، ولی آنچه مهتر و تعیین کننده است: عوامل کیفی میباشد. م.

(۱۶) در اینحال، همچنین باید راه را برای رسیدن جوخه حامل تی. ان. تی باز کرد. این جوخه، موضع معمولی خود را از رسیدن برآشستون (که فقط گروه پشتاز، در جلوی آن قرار خواهد داشت)، ترک خواهد نمود.

(۱۷) باید باین واقعیت توجه داشت که با دو میدان از نوع ویتنامی، دو چریک قادر خواهند بود که تمام افراد گروه پیشقراول ضد چریک را جارو کنند؛ و در این فاصله، بقیه افراد واحد چریکی قادر خواهند شد که بعقب نشینی خود ادامه دهند.

(۱۸) ضد چریک همیشه از نقاطی که بظاهر آسیب پذیرند، حمله نمیکند؛ و غالباً و بویژه در مواردیکه چریکها در مدتی بیش از حد طولانی در یک محل معین اقامت داشته و دارای اردوگاههای ثابت و پایگاهها باشند، از عقب، از زمینهای که (بنظر چریکها) ورود به آنها مشکل یا غیر

محتمل جلوه میکند، با جنبش و فرزی که امتیاز غافلگیر کنندگی را بآنها عرضه میدارد، دست بحمله میزند.

(۱۹) حتی در صورتیکه چریکها با پیروی از قاعده کلی - برای اینکه بگذارند که هلیکوپترها رد شوند - خود را در میان خار و خاشاک ها و بوته ها مخفی کنند، واحد چریکی میتواند بطرف این دستگاهها - در صورت وجود امکان با پروژکتیل های آتش زا ^{ire} Projectile Incendia - که مشغول پیاده کردن نیرو میباشد، شلیک کنند؛ و در اینحال است که هدف مناسب و راحتی را (برای نشانه گیری چریکها) فراهم میکنند؛ و بدین ترتیب میتوان از نزدیک شدن بیش از بیش آنها، و تجمع سریع واحدهای تازه نفس جلوگیری بعمل آورد. البته همه اینها بستگی دارد بحوامل: زمین (آشنائی با محل و منطقه)، تجربه، بی پروائی و جسارت، تجهیزات و غیره.

(۲۰) گاهی اوقات قبل از اینکه هلیکوپترها بیپایه کردن نیرو مبادرت ورزند، هواپیماها و هلیکوپترهای دیگر - برای تضمین امنیت عمل پیاده کردن نیرو - به شعاعی در حدود ۱۰۰۰ متر، راکت پرتاب کرده و آن منطقه را به سلسل می بندند. ولی بمحضی که ضد چریک تغییر محصل داد، و واحدهای تازه نفس بزمین پا گذاشتند، هواپیماها از ترس صدمه رساندن بآنها، بمعطیات آتشبار خود خاتمه میدهند.

(۲۱) باید یاد داشتهای روزانه بولیوی "چنگوارا را خواند تا این واقعیت وحشتناک را بخوبی دریافت و متوجه شد همانطوریکه پابلوتورس میگوید حل مسائل لوژیستیکی حتی قبل از ورود در یک مبارزه مسلحانه، یکی از مهمترین و حیاتیترین مسائل است. باید یاد داشتهای روزانه بولیوی" های

را خواند تا بخوبی دریافت که یکی از مهمترین دلائل شکست چنگوارا در بولیوی، عدم پیش‌بینی دقیق و حل این مسئله بوده است. بی‌اغراق، کمتر صفحه‌ای از یاداشتهای "چه" وجود دارد که او در باره این مسئله حرف نزند، تا جائیکه خواننده احساس می‌کند یکی از مهمترین "غم و غصه" های چنگوارا تهیه آذوقه برای چریکهای خود بشمار میرفته است. در جنگ چریکی بولیوی، یک نیروی عظیم که باید صرف مبارزه و نبرد با دشمن میشد، صرف تهیه آذوقه و پر کردن شکم چریکها شده است، بیشترین کادרהای برجسته و جانشین ناپذیر جنگ چریکی بولیوی نه در نبرد با دشمن، بلکه بهنگام تهیه آذوقه و یا در رابطه با این امر کشته شده‌اند. خلاصه اینکه عدم توجه یا بطور ذهنی مواجه شدن با مسائل "کوچکی" از این قبیل است که در پایان متاسفانه مشاهده می‌کنیم - ولی چه دیر! - که حیات و موجودیت یک جنبش را با خطر نابودی مواجه کرده‌ایم.

(۲۲) اشاره است باین نکته که: چریک، اسلحه و آذوقه خود را از دشمن تهیه میکند.

(۲۳) یکی از تئوریسین های جنگ ویتنام با فرانسویان، و یکی از اعضا برجسته کادر رهبری ویتنام شمالی در حال حاضر.

(۲۴) اشاره باحزاب کمونیست (ارتدوکس) است. بطوریکه میدانیم این حزب در باره‌ای از کشورهای امریکای لاتین، از جمله: در بولیوی و کلمبیا، گروههای مسلح مخصوص بخود دارد که بازوهای مسلح آن بشمار میروند. و به مقتضای "اوضاع و احوال خاص" و "منافع عالی حزب"، مهار این گروهها را که در دست دارد، شل و سفت میکند. این سیاست شل و سفت کن، یکی از عوامل رم دادن جنبشهای رهائی بخش امریکای لاتین از وابستگی

با حزب سنتی، و عدم اعتماد به تفکیک رهبری نظامی و سیاسی بشمار
 میروند. البته بطوریکه می‌دانیم احزاب کمونیست (ارتدوکس)، بویژه از "سیاست
 همزیستی مسالمت‌آمیز" خروش جفا بین طرف، علاقه و اعتقادی بیمارزات مسلحانه
 ندارند، و تازه همین یکی در نمونه ذکر شده استثنا بر اصل است. م.
 (۲۵) "چشمه‌های سالم و خالص" اشاره است بکشور شوروی و کشورهای
 اروپای شرقی. م.

(۲۶) "ولی میوه‌های فرصت طلبی بصورت یک عامل عینی در آمده است
 که اکنون میتواند توسعه و گسترش بسیاری از جنبشهای انقلابی را بتأخیر
 بیندازد." از کتاب "انقلاب مداوم"، نوشته لئون تروتسکی.

اینهارا هم ببینید :

فریدون دانشی که رفت... (زندگینامه) کمی بلند [HTM](#) [PDF](#) کوتاه [PDF](#) [HTM](#)

آخرین همسفر (منتخب اشعار) [HTM](#) [PDF](#)

نوشته‌های سیاسی نوشته‌های پراکنده (ترجمه‌ها) [عکسها](#)

